

Medical Ethics and Law
Research Center

Tārīkh-i pizishkī i.e., Medical History

2022; 14(47): e28

Shahid Beheshti
University of Medical Sciences

Scrutinizing the Poems of the Sixth Century (AH) Poets in the Area of the Herbal Medicines; Poppy

Maqsood Mesbah¹, Ebrahim Poordargahi^{1*}, Hamid Reza Farzi¹, Bahman Pasban Eslam²

1. Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

2. Agricultural and Horticultural Research Department, East Azerbaijan Agriculture and Natural Resources Research and Education Center, AREEO, Tabriz, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The sixth century poems are usually considered as "technical poems". The poets of this era put aside simplicity and fluency of the poetry of the previous periods and used similes and metaphors in poetry to describe scientific information of that era such as astronomy, mysticism, music, medicine and especially herbal medicines, in a manner that one cannot comprehend the meaning and concept of poetry without having knowledge of these sciences. Medical information and common healing properties of plants have a wide reflection in poetry of this period. One of these medicinal herbs (herbal medicines) is poppy, whose active ingredients have been known to people and used by them through centuries under different names such as poppy, coke, opium and... The poets of this era attempted to create themes for medicinal and sleep inducing characteristics of the extract of this plant and used its taste, color and properties as the bases of advice, lyric, praise and mysticism.

Methods: The present library based research study is undertaken to utilize descriptive and analytical approaches to extract medicinal reflections of opium from *Khaghani*, *Sanai*, *Anvri* and *Khamsa Nizami* divans, and then make an exploratory and investigative analysis based on the therapeutic properties listed in scientific articles, authentic traditional medicine books as well as books on modern medicinal plants.

Ethical Considerations: In this research, the ethical aspects of library study, including the authenticity of texts, honesty and trustworthiness, have been observed.

Results: The sedative, hypnotic and antidote medicinal properties of poppy correspond to its current usage.

Conclusion: Opium was used therapeutically in the 6th century and was obtained from two plants of "poppy" and "wild lettuce". Poppy opium was referred to as "poppy" and lettuce opium was called "koke". Nowadays, there is not any "koke" opium, but wild lettuce is still used as a hypnotic agent in traditional medicine and herbal medicine books confirm its hypnotic properties.

Keywords: Persian Poetry; Poppy; Koke; Opium; Herbal Medicines

Corresponding Author: Ebrahim Poordargahi; **Email:** e.poordargahi@yahoo.com

Received: April 04, 2022; **Accepted:** September 06, 2022; **Published Online:** October 25, 2022

Please cite this article as:

Mesbah M, Poordargahi E, Farzi HR, Pasban Eslam B. Scrutinizing the Poems of the Sixth Century (AH) Poets in the Area of the Herbal Medicines; Poppy. *Tārīkh-i pizishkī*, i.e., *Medical History*. 2022; 14(47): e28.



مجله تاریخ پزشکی

دوره چهاردهم، شماره چهل و هفتم، ۱۴۰۱



بررسی اشعار شاعران قرن ششم قمری در حیطه گیاه دارویی خشخاش

مقصود مصباح^۱، ابراهیم پوردرگاهی^{۱*}، حمیدرضا فرضی^۱، بهمن پاسبان اسلام^۲

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
۲. بخش تحقیقات علوم زراعی و باغی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی آذربایجان شرقی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تبریز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: شعر قرن ششم، «شعر فنی» است. شاعران این دوره سادگی و روانی شعر دوره‌های قبل را کنار گذاشته و اطلاعات علمی رایج در آن دوره، از قبیل نجوم، کلام، عرفان، موسیقی، طب و به ویژه گیاهان دارویی را در قالب تشبیه و استعاره‌های دیرپاب وارد شعر کرده‌اند، به نوعی که بدون آشنایی با این علوم نمی‌توان مفهوم شعر را درک کرد. اطلاعات طبی و خواص درمانی رایج گیاهان، بازتاب گسترده‌ای در شعر این دوره دارد. یکی از این گیاهان دارویی، خشخاش است که از مواد مؤثره آن در طی قرون با نام‌های مختلف مانند کوکنار، کوک، افیون و تریاک یاد و استفاده شده است. شاعران این دوره، از خاصیت دارویی و خواب‌آوری عصاره این گیاه، مضمون‌آفرینی کرده و طعم و رنگ و خواص آن را دستمایه پند، مدح، تغزل و عرفان ساخته‌اند.

روش: این پژوهش کتابخانه‌ای بر آن است که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی بازتاب دارویی افیون و تریاک را از دیوان خاقانی، سنایی، انوری و خمسه نظامی استخراج کند و بر اساس خواص درمانی مندرج در مقالات علمی، کتب معتبر طب سنتی و همچنین کتاب‌های گیاهان دارویی امروزی، به بررسی و تحلیل بپردازد.

ملاحظات اخلاقی: در این تحقیق جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: خواص دارویی مسکن، منوم و پادزهری خشخاش با کاربرد امروزی آن مطابقت دارد.

نتیجه‌گیری: افیون در قرن ششم کاربرد درمانی داشته و از دو گیاه «خشخاش» و «کاهوی وحشی» به دست می‌آمده است. افیون خشخاش را «کوکنار» و به افیون کاهو «کوک» می‌گفتند. امروزه خبری از افیون کوک نیست، با این حال کاهو هنوز هم در طب سنتی و کتاب‌های گیاهان دارویی به عنوان خواب‌آور شناخته می‌شود. لفظ «تریاک» نیز در شعر قرن ششم به طور مطلق در معنی پادزهر به کار رفته است.

واژگان کلیدی: شعر فارسی؛ کوکنار؛ افیون؛ تریاک؛ گیاهان دارویی

نویسنده مسئول: ابراهیم پوردرگاهی؛ پست الکترونیک: e.poordargahi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۸/۰۳

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Mesbah M, Poordargahi E, Farzi HR, Pasban Eslam B. Scrutinizing the Poems of the Sixth Century (AH) Poets in the Area of the Herbal Medicines; Poppy. *Tārīkh-i pizishkī*, i.e., *Medical History*. 2022; 14(47): e28.

مقدمه

گیاهی که امروزه به نام «خشخاش» معروف است، گونه‌های متنوعی دارد. کتاب گیاهان دارویی تیره خشخاش را ۷۰۰ گونه و نام گونه اصلی این گیاه (*Papaver Somniferum*) را به فارسی کوکنار یا خشخاش و به عربی ابوالثوم و خشخاش اسود آورده است (۴). مهم‌ترین قسمت مورد استفاده دارویی این گیاه، میوه کپسولی شکل گیاه است که در ادبیات فارسی از آن به کوکنار و از مواد مؤثره آن به افیون و تریاک یاد کرده‌اند، چنان‌که سنایی گوید:

از انگور است و خشخاش است اصل عنصر هر دو
چرا دانش برد باده؟، چرا خواب آورد افیون؟ (۵)

کوکنار یکی از قدیمی‌ترین گیاه داروی شناخته شده است که انسان به خاصیت درمانی ضد درد و پادزهری این گیاه پی برده و از مواد مؤثره آن در مقاطع مختلف تاریخی با عناوین و شیوه‌های متفاوتی استفاده کرده‌اند.

نویسنده مقاله «افیون در شراب»، افیون را واژه دیگری معادل تریاک و کوکنار دانسته و پیشینه مصرف کوکنار را به عهد باستان رسانده و بر این باور است که کوکنار همان گیاه گوگرد (=هوم) باستانی است که از آمیزه شیره گوگرد با خون گاو قربانی در بزرگ‌ترین جشن ایرانیان مهریسن (=مهرپرست)، نوشابه‌ای می‌ساختند که «دور دارنده مرگ» نام داشت تا اینکه با کشف شراب به وسیله جمشید شیره گوگرد را به جای خون گاو در شراب ریخته و مصرف می‌کردند (۶).

در فرهنگ‌نامه ادبی فارسی، ذیل توضیحات افیون آمده است: «خشخاش را از وطن اصلی آن، یعنی مصر به آسیای صغیر بردند و کشت خشخاش چهارصد یا سیصد سال قبل از میلاد از آنجا به یونان و سپس به روم سرایت کرد و به عنوان نماد خواب و به شکل جوانی که دسته‌ای از گل کوکنار به دست دارد، شناخته شد. در آثار و مدارک ایران قبل از اسلام که به زبان‌های باستانی نوشته شده‌اند، اثری از تریاک نیست و یقیناً بیش از ۱۴۰۰ سال پیش که سپاهیان عرب بر ایران دست یافتند، کاربرد آن را به ایرانیان آموختند. آن‌ها با تریاک خستگی‌های ناشی از جنگ و بیماری‌ها و دردها را مداوا

ورود به عرصه شعر در قرن ششم بدون آگاهی از دانش‌های مختلف میسر نبوده است. شاعران این دوره، سادگی و روانی شعر دوره‌های قبل را کنار گذاشته و با ابداع مضامین و خلق صورخیال از اصطلاحات علوم و فنون رایج، از قبیل نجوم، حکمت، ریاضیات، موسیقی، طب و ویژگی دارویی گیاهان به عنوان یکی از ابزارهای تبیین مفاهیم ذهنی، بیان آرا و اندیشه‌های خود بهره جسته‌اند. مؤلف کتاب «چهارمقاله» در ارتباط دوسویه شعر با سایر علوم، می‌گوید: «اما باید شاعر... در انواع علوم متنوع باشد و در اطراف رسوم مستطرف، زیرا چنانکه شعر در هر علمی به کار همی‌شود؛ هر علمی در شعر به کار همی‌شود» (۱). «پزشکی و داروشناسی دانش‌های رایج در ایران اسلامی بودند و جای شگفتی نیست که جلوه‌هایی از آن درگسترده‌ترین و درخشان‌ترین آئینه فرهنگی ایران زمین، یعنی شعر و ادبیات آشکار گشته باشد، به گونه‌ای که اشاره به علوم به‌ویژه پزشکی از خصوصیات سبکی شعر قرن ششم قمری محسوب می‌شود» (۲). «در قدیم دانش پزشکی یا طب، یکی از متفرعات علم حکمت به حساب می‌آمده و کسی را که حکمت می‌خوانده، ناگزیر از فراگیری طب نیز بوده است» (۳). گیاهان دارویی به عنوان بخش عمده درمانی طب سنتی، از عناصر مهم مضمون‌ساز اشعار شاعران پارسی‌گو هستند. تصویرآفرینی از گل‌ها و گیاهان در شعر از گذشته رایج بوده است، ولی در آثار شاعران قرن ششم، با نام تعداد بسیاری از گیاهان مواجه هستیم که علاوه بر جنبه‌های ادبی و زیباشناختی، از خاصیت دارویی آن‌ها نیز سخن گفته‌اند، اگرچه خواص دارویی گل و گیاه در ادبیات نقش محوری ندارد، اما به جهت کاربرد مبتکرانه و چشم‌گیر این دانش در شعر و فهم آن، به اطلاعات لازم از خواص درمانی گیاهان نیازمندیم. یکی از این گیاهان «خشخاش» است که در آثار بررسی شده، فقط یک‌بار از آن نام برده‌اند، ولی از مواد مؤثره و خواص درمانی این گیاه‌دارو با نام‌های «کوکنار»، «افیون»، «تریاق» و «تریاک»، فراوان سخن گفته‌اند.

۱۳۸۴، صص ۱۸۴-۱۶۷؛ مقاله «پیدایی و شیوع اعتیاد به افیون در عصر صفوی»، یعقوب تابش و دیگران، مجله تاریخ ایران، شماره ۲۱ (۷۹/۵)، زمستان ۹۵ - بهار ۱۳۹۶؛ مقاله «افیون و سندرم ترک اعتیاد»، معصومه قاسمی مرقتی و دیگران، فصلنامه تاریخ پزشکی، سال ۷، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۹۴؛ مقاله مروری به نام «بررسی تطبیقی خواص افیون در قانون ابن‌سینا و طب جدید»، محسن سوابی، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره ۳، شماره ۴، پاییز ۱۳۸۹، این مقاله خواص افیون را در طب سنتی و نوین بررسی و مسکن و خواب‌آور بودن افیون را در کنار ۱۲ مورد از اثرات قلبی، مغزی، تنفسی، پوستی و گوارشی... بررسی کرده است؛ مقاله «افیون در شراب»، جواد برومندسعید، چیستا، شماره ۴۳، آبان ۱۳۶۶، که نویسنده با تأکید بر یکی‌بودن گیاه هوم یا گوگرد باستانی با کوکنار، به استفاده از افیون در شراب به عنوان مفرح و کیف حلال پرداخته است.

۱-۲. **تریاک**: مقاله موجزی با عنوان «تریاک»، از ابوالقاسم طاهری، مجله یغما، دی‌ماه ۱۳۴۵، شماره ۹، پیاپی ۲۲۲، در تاریخ پیدایش و رواج مصرف تریاک در ایران نوشته شده؛ مقاله مشابهی به همین نام (تریاک)، از محمدجعفر محجوب، در مجله یغما، اردیبهشت ۱۳۴۶، شماره ۲۲۶، صص ۶۹-۷۴، این مقاله در نقد مقاله ابوالقاسم طاهری است. مقاله «خاستگاه و تاریخچه تریاک»، از مریم صادقی، در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی (۹) که در هر سه مقاله، به تاریخ پیدایش و رواج مصرف تریاک در ایران پرداخته شده است.

۱-۳. **کوکنار**: در موضوع کوکنار نیز که امروزه با نام خشخاش شناخته می‌شود، مقاله «مروری بر گیاه خشخاش»، داراب یزدانی و دیگران، فصلنامه گیاهان دارویی، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۱ و «مقایسه میزان کالوئیدهای گروه مورفین در گیاه دارویی خشخاش»، منصور امیدی و دیگران، فصلنامه گیاهان دارویی، سال ۱۱، دوره ۴، شماره ۴۴، پاییز ۱۳۹۱ که در هر دو مقاله میزان کالوئیدهای گیاه بررسی شده است. پژوهش‌های انجام‌یافته تاکنون افیون، تریاک و کوکنار یا خشخاش را اغلب از منظر پدیده اعتیاد، خاستگاه، مصرف و

می‌کردند (۷). «افیون که یکی از گزندهای اهریمنی است، در همان نخستین سده قمری با عرب‌ها به ایران آمد» (۸). «واژه تریاک اصلاً یونانی است و امروزه در نزد ما لفظ مرادف افیون یعنی شیره کوکنار (=خشخاش) دانسته شده، دارویی است که در پزشکی به عنوان ضد مطلق زهر به کار می‌آمده و چون در هر تریاک یک جزء آن افیون بوده است، رفته‌رفته تریاک و افیون دو کلمه مرادف پنداشته شدند» (۸).

«بی‌گمان ایرانیان باستان نیز مانند سایر ملل با کوکنار به عنوان پادزهر و تریاک آشنا بوده‌اند... اگرچه پزشکان ایرانی همچون ابن‌سینا و زکریای‌رازی از خواص دارویی تریاک و شیره کوکنار به‌خوبی آگاه بوده و از آن بهره برده‌اند، اما گزارشی از مصرف افیون به عنوان ماده‌ای مکّیف در این اوان به دست نیامده است و پس از آن نیز آنچه از منابع برمی‌آید تا روزگار صفویان، به گونه‌ای میان جنبه دارویی و مکّیف آن تفاوت قائل بوده‌اند، به نحوی که هر زمان مواد پادزهر بوده، از آن به نام تریاک یا تریاق یاد شده، اما افیون پیوسته شوم و قبیح به شمار می‌آمده است تا آنجا که ناصر خسرو آن را موجب فسادِ خرد و مولوی مایه بدهوشی می‌خواند» (۹).

شاعرانی همچون سنایی، انوری، نظامی و خاقانی با به کارگیری اطلاعات طبی و توصیه‌های درمانی در ترکیب و تشبیه‌های خیال‌انگیز ادبی و هنری خود ضمن پرداختن به برخی از آثار و علائم بیماری‌ها از کارکردهای درمانی گیاه داروی کوکنار و عصاره آن (افیون و تریاک) طبیبانه سخن رانده‌اند.

۱. **پیشینه**: در کتاب‌ها و مقاله‌های متعدد مطالب زیادی به تفکیک در مورد افیون، تریاک و کوکنار یا خشخاش، نوشته شده است، از جمله:

۱-۱. **افیون**: افیون را به عنوان پدیده اعتیاد و با آوردن بیت‌های شاهد از شعر فارسی، از خاستگاه، مصرف و شیوع آن در اعصار مختلف تاریخی به ویژه دوره صفویه، بررسی کرده‌اند، مانند مقاله «بازتاب پدیده اعتیاد در شعر صائب»، مهدی نوریان و دیگران، مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره چهل و یکم،

و بلای خانمان سوزبودن آن نیست. پدیده شوم اعتیاد موضوعی است که محققان شیوع اولیه آن را از دوره صفویه دانسته‌اند. افیون نیز یکی دیگر از مواد مؤثره خشخاش است که همواره به عنوان جزئی از اجزای ترکیبی انواع تریاق‌ها به کار رفته است. افیون در اصل شیره غوزه خشخاش و شیره کاهوی وحشی است، با این تفاوت که شیره حاصله از خشخاش نارس را کوکنار و به شیره کاهوی وحشی، کوک می‌گفته‌اند. بازتاب چشم‌گیر خواص مشترک تخدیری و خواب‌آوری کوک و کوکنار در شعر و ادب پارسی بیانگر این است که در پزشکی قدیم افیون کوک مانند افیون کوکنار کاربرد داشته است، اما امروزه سخنی از افیون کوک نیست.

بحث

دانش گیاه‌درمانی به عنوان یک حرفه مقدس، در دوره‌های مختلف تاریخی همواره مورد توجه و مطالعه قرار گرفته و انسان کوشیده است با استفاده از طبیعت پیرامون به ویژه گیاهان دارویی به معالجه دردهای خود بپردازد تا جایی که برخی از شاعران نیز با استفاده دقیق و به‌جا از اصطلاحات طبی و راهکارهای درمانی رایج زمان خود در قالب کنایه، مجاز، تشبیه و استعاره و دیگر فنون ادبی و بلاغی به بیان مقاصد خود پرداخته‌اند، چنان‌که از آثار شعری پیداست، شاعران قرن ششم نیز همچون دیگر شاعران بزرگ ادب فارسی با تعمق در مباحث مربوط به طب سنتی و تأثیر گیاهان دارویی در درمان بیماری‌ها، آشناسازی و گسترش این علم نقش‌آفرینی کرده‌اند.

در این جستار سعی شده است که بازتاب دارویی افیون، تریاک و کوکنار به ترتیب و جداگانه در امتهات شعری قرن ششم بررسی شود.

۱. **هیپون یا اپیون و پیون (افیون) (Papaver Somniferum):** افیون به عنوان دارویی مسکن، منوم و مدهوش‌کننده بوده و با نام‌های هیپون یا اپیون و پیون در آثار شعری شاعران متقدم نیز به کار رفته است. پدر شعر پارسی (رودکی) گفته است:

شیوع آن در دوره‌های مختلف تاریخی به ویژه دوره صفویه و یا خواص درمانی گیاه را در طب سنتی و نوین بررسی کرده‌اند تا به حال پژوهش مستقلی در کارکرد دارویی خشخاش و مواد مؤثره آن در شعر فارسی صورت نگرفته است.

روش

این پژوهش کتابخانه‌ای با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با تحقیق و تفحص در دیوان چهار شاعر ملقب به «حکیم»، (خاقانی، سنایی، انوری و پنج‌گنج نظامی)، فراهم شده است. بدین ترتیب که ابتدا ابیات مرتبط با مواد مؤثره گیاه دارویی خشخاش با نام‌های افیون، کوکنار و کوک، تریاق یا تریاک استخراج شده است و سپس کارکرد درمانی منعکس‌شده در آثار شعری هر کدام از این عناوین، با مراجعه به کتب معتبر طب سنتی و همچنین مقالات و کتاب‌های معتبر گیاهان دارویی، به تفکیک بررسی شده است.

یافته‌ها

در آثار بررسی‌شده ۸۲ بار از مواد مؤثره خشخاش نام برده شده که بیشترین بسامد مربوط به تریاک است. این لفظ در اصل یونانی و معرب آن تریاق، به معنی ضد‌گزش درندگان و در زبان فارسی هم معادل پادزهر است. در تمامی ابیات آثار بررسی‌شده، تریاک در مقابل زهر و به عنوان ضد مطلق زهر به کار رفته است. در کتب طب سنتی نیز از انواع تریاق‌ها با منشأ کانی، حیوانی و گیاهی و خواص درمانی پادزهری آن‌ها سخن گفته‌اند. آنچه مسلم است تریاک، داروی خوراکی از ترکیب چندین داروست که با نام‌های مختلفی از قبیل تریاق اکبر و تریاق فاروق در کتاب‌های ادبی از آن یاد کرده‌اند. خواص درمانی ذکرشده برای تریاک در آثار شعری، با کاربرد درمانی مندرج در کتاب‌های طب سنتی و گیاهان دارویی مطابقت دارد.

تریاک در آثار شعری قرن ششم دارویی محبوب و پادزهری ارزشمند معرفی شده است و برخلاف امروزه، خبری از تدخین

تلخی و شیرینی‌اش آمیخته است

کس نخورد نوش و شکر با پیون (۱۰)

عقل کل در حسن او مدهوش شد

کز لبش در باده افیون می‌کند (۱۴)

یا

خاقانی، نظامی، سنایی و انوری در قالب ترکیبات اضافی، کنایی و تشبیهی (افیون در باده کردن، پاره افیون، افیون مصری، افیون خورده مخمور) به خواص مشترک کوک و کوکنار، خواب‌آوری، سم‌زدایی، غم‌زدایی و پادزهری‌تریاک و همچنین به رنگ و طعم این گیاه‌دارو اشاره کرده‌اند:

۱-۱. افیون در باده:

لاله چو جام شراب پاره افیون در او

نرگس کان دید کرد از زر تر جرعه دان (۱۵)

پاره افیون، استعاره از سیاهی وسط لاله است. خاقانی به رنگ و آمیختن افیون در شراب اشاره کرده است. «قدما باده و افیون را درهم می‌آمیختند تا مستی و نشئه بیشتری دهد» (۱۳).

۱-۲. لب فتنه را افیون دادن:

افیون، لب فتنه را چنان ده

کز خواب به سالیان نجنبید (۱۵)

لب فتنه: اضافه استعاری است. شاعر با در نظر گرفتن خاصیت خواب‌آوری افیون از ممدوح خود می‌خواهد فتنه را آنچنان بخواباند که تا سالیان دراز نتواند سر برآورد. مؤلف مخزن‌الادویه، معنی افیون را «مُسبِت، یعنی خواب غرق آورنده» ذکر کرده و در ماهیت آن گفته است: «...نوع بُستانی آن بسیار کم بوده، مگر در مصر تنها خاصه در موضعی از آن معروف به اسیوط و از آنجا به اطراف می‌برده‌اند» (۱۶). شاعر در جای دیگر به نوع مرغوب این داروی خواب‌آور (افیون مصری) اشاره کرده است:

خامه مصریش راست، در دهن، افیون مصر

فتنه گه خیز را ز آن دهد افیون فلک (۱۵)

چه حال است این که مدهوشند یکسر؟

که پنداری که خورده‌ستند هیبون (۱۱)

«هیون، اپیون و پیون، کاربردهای مختلف کلمه معرب و معروف «افیون» است. در یونانی «Opium»، در لاتینی آپیوم «Opium» که در همه زبان‌های اروپایی به همین شکل اخیر آمده است و در سانسکریت اهیپنه «Ahiphena» خوانده شده است. این ماده مخدر، شیره گیاهی است که در فارسی «کوکنار» یا «نارکوک» نام دارد و از تره‌ای که آن را کوک (=کاهو: به عربی خَسُّ البَرِّي) خودرو، نیز گویند، گرفته می‌شود. شیره سفیدرنگ که مخصوصاً از کاهوی زهری «*Lactuca Virosa*» گرفته می‌شود، در اثر هوا خشک و تیره رنگ می‌گردد، بعد مثل شیره‌ای می‌شود که از کوکنار می‌گیرند» (۱۲). افیون کوکنار را هم «با تیغ شکافی به پيله یا غوزه کوکنار دهند تا از آن شیره‌ای فرو چکیده در هوا بسته شود، این شیره را در عربی لَبْنُ الخَشخاش گویند» (۸). «پیشینیان همان خاصیتی که از برای افیون کوکنار قائل بودند، از برای افیون کوک یا کاهو هم قائل بودند» (۶).

واژگان تریاک و افیون و ترکیبات اضافی، کنایی و تشبیهی از سده چهارم قمری به ادب فارسی راه یافته است که برخی از آن‌ها عبارتند از: «افیون در باده کردن» کنایه از بی‌هوش گردانیدن و شدن و «افیون خورده» کنایه از مسموم و مست است (۷). در «فرهنگ اشارات»، ذیل افیون آمده است: «عیاران به این معجون «بی‌هوشانه» می‌گفتند و آن را به دشمنان خود می‌خوراندند» (۱۳). «گاهی برای تسهیل و تشدید وجد و سرور در مجالس سماع صوفیان در شراب، افیون یا به قول سعدی «بی‌هوشانه» می‌ریخته‌اند. این ترکیب در ادب فارسی جایگاه ویژه‌ای یافته و مورد استفاده بسیاری از بزرگان ادب قرار گرفته است» (۹).

نوشته است: «...خَدَر [خوابیدگی و سستی اندام] بر مردم افکند، چنانکه همه اندام را بخواباند... تشنج برافکند و خون اندر اندام بفسرانند... اندامی که درد کند دردش بنشانند که بی‌آگاه کند آن جای را و طبیعت باز گیرد و مقدار آنکه او مردم را بگُشد، از نیم مثقال تا مثقالی است» (۲۱).

نظامی در بیت دیگر آشفته‌حالی خسروپرویز را هنگام خوانده شدن نامه پیامبر اسلام (ص)، «افیون خورده مخمور» توصیف می‌کند:

به هر حرفی کز آن منشور برخواند
چو افیون خورده مخمور در ماند (۱۹)

گفتنی است که نظامی فقط در این دو بیت ترکیب «افیون خورده» را به کار برده و در تمامی خمسه نامی از افیون و کوک و کوکنار نبرده است (جدول ۱).

«افیون مصر: استعاره‌ای است آشکار از مرکب. فتنه، با استعاره‌ای کنایی، ددی انگاشته شده است که گهگاه برمی‌خیزد و جهان را برمی‌آشوبد؛ تنها نوشته و فرمان ستوده [ممدوح] است که می‌تواند فتنه را آرام گرداند و در خواب فرو برد» (۱۷). «بهترین [افیون] آن است که در اسیوط، یکی از شهرهای مصر علیا به عمل می‌آورند» (۱۸).

۳-۱. افیون خورده و افیون خورده مخمور: نظامی در منظومه خسرو و شیرین، مستی و خواب‌آلودگی پاسبانان درگاه خسروپرویز را «افیون خورده» توصیف می‌کند، چون افیون خورده مسموم را خواب سخت فرو می‌گیرد، به حدی که در آن حال اگر به خواب رود، خواب منتهی به مرگ می‌گردد:

همه افیون خور مهتاب گشته
ز پای افتاده مست خواب گشته (۱۹)

شاعر در این بیت ضمن اشاره به باور پیشینیان «تشدید جنون و بیماری‌های عصبی با دیدن ماه...» (۲۰)، مهتاب را به افیون و خفتگان در مهتاب را به افیونخوار تشبیه کرده که بیدار کردن آنان سخت و نامیسر است. مؤلف «الأنبیه» در معرفی افیون

جدول ۱: بسامد گیاه داروی کوکنار (=خشخاش) در آثار شاعران مورد بررسی

| ردیف | عنوان | جمع | خاقانی | نظامی | انوری | سنایی |
|------|--------|-----|--------|-------|-------|-------|
| ۱ | خشخاش | ۱ | — | — | — | ۱ |
| ۲ | کوک | ۸ | — | — | ۲ | ۶ |
| ۳ | کوکنار | ۱۱ | ۴ | — | ۳ | ۴ |
| ۴ | افیون | ۱۴ | ۴ | ۲ | ۳ | ۵ |
| ۵ | تریاک | ۴۸ | ۲۸ | ۷ | ۶ | ۷ |
| | جمع | ۸۲ | ۳۶ | ۹ | ۱۴ | ۲۳ |

توضیح: در این آثار ۸۲ بار از مواد مؤثره گیاه خشخاش نام برده شده است که خشخاش کمترین و تریاک بیشترین بسامد را دارد. ۱۰ مورد از مجموع ۴۸ بسامد تریاک، به تریاق حیوانی مربوط است.

۴-۱. افیون و غلبه سودا:

خود حال دگر خلط چه گویم که ز سودا
بودم چو کسی کو خورد افیون و هلاهل (۵)

سنایی در این بیت برای توصیف حالت غلبه سودا، از مظهر آشفته‌حالی و دیوانگی هلاهل (=زهر گُشنده) و افیون‌خورده بهره می‌جوید، زیرا سودا «نام خلطی از اخلاط اربعه و در فارسی به معنی دیوانگی است، چراکه به سبب کثرت خلط سودا، جنون پیدا می‌شود» (۲۲). در ذخیره خوارزمشاهی آمده است: «سودای طبیعی دُردی خون است و بدین سبب سبطرتر [غلیظ‌تر] و گران‌تر از اوست... هرگاه سودایی فزون‌تر به دماغ [مغز] رسد، مالیخولیا از آن باز شود و هر وقت که به دل رسد بکُشد» (۲۳).

بنگ و افیون شود از بوی تو سرمایه عقل
گر در آن کوی تو باشی بود افیون با بنگ (۵)

بنگ: کَنف هندی، چرس، «از نخستین مخدرهایی است که ایرانیان شناخته‌اند. گرد حاصل از کوبیدن برگ‌ها و گل‌های شاهدانه است و در بند ۱۳ از فصل ۱۵ و بند ۴۱ از فصل ۱۹ وندیداد به مصرف دوگانه بنگ - مصرف درمانی و مصرف تخدیر - اشاره شده است. هرودوت تاریخ نگار یونانی (سده ۵ قبل از میلاد) در باره تأثیر مخدر و لذت‌بخش بخار حاصل از قرارگرفتن دانه‌های شاهدانه و کنف بر سنگ‌های گداخته و علاقه سکاها - تیره‌ای از آریایی‌ها - به آن می‌نویسد که آنان در اثر بوییدن این بخار، خروش شادمانی برمی‌آوردند» (۷).

۵-۱. طعم بسیار تلخ آب افیون:

اگر نه از شکر شکر تو همیشه ترست
مذاق بنده، لعابش چو آب افیون باد (۲۴)
ور کمر جز به خدمتت بندد
نیشکر آبش آب افیون باد (۲۴)

۲. کوک و کوکنار (*Lactuca Sativa & Papaver Somniferum L.*)

۱-۲. کوک: یکی از معانی «کوک» در لغت‌نامه دهخدا: «تره‌ای است که بخورند و خوردن آن خواب آورد و آن را به فارسی کاهو و کاهوی مُنوم و به عربی خَس خوانند» و در ذیل واژه خَس، تره کاهو، کوک و کاهو را ذکر کرده و بیت شاهدهی را از سوزنی سمرقندی آورده است:

خس بود در لفظ تازی کوک و اندر شاعری
کوک زن بر سوزنی گر خوش برآید لفظ خس (۲۵)

کاهو از نظر درمانی «اثر نرم‌کننده، آرام‌کننده و خواب‌آور دارد. برای آن اثر ضد تشنج نیز قائل‌اند. عصاره سفت آن سابقاً تحت نام تریداس، به عنوان آرام‌کننده و خواب‌آور ملایم مورد استفاده قرار می‌گرفته است» (۲۶).

«کوک یا کاهوی خودرو که از آن هم، در قدیم افیون گرفته می‌شده، در گیاه‌شناسی «*Lactuca Virosa*» خوانده می‌شود... همین شیره خشک‌شده است که در داروسازی لاکتوکاریوم «*Lactucarium*» خوانده می‌شود و آن دارویی است مسکن و مُنوم. ابن‌سینا در قانون گوید: «خَسُ البری منه فی قوّة الخشخاش الأسود...» در پزشکی قدیم افیونِ کوک، مانند افیونِ کوکنار بسیار به کار می‌رفت، امروزه از آن سخنی نیست. در گذشته از برای انواع کاهوها که نوع خوردنی و بُستانی آن بیش از نود تیره است، خاصیت مخدر و مُنوم یا سست‌کننده و خواب‌آورنده شناخته شده است» (۸).

۲-۲. خواص مشترک دارویی کوک و کوکنار (خواب‌آوری):

فتنه را ز آرزوی خوابِ امان
هوسِ کوک و کوکنار گرفت (۲۴)

پاس خود خود دار زیرا در بهار تر هوا
پاسبانت را تره کوک است و میوه کوکنار (۵)

بیست، ده، چهار و سه رسید... در همه کتب طبی ایران و عرب به فهرستی از تریاقات برمی‌خوریم که اجزا و مقدار آن‌ها معین شده و از خواص شگفت‌انگیز آن‌ها سخن داشته‌اند... در شرح صیدنه ابوریحان آمده: تریاق در روزگار ما آن است که هر داروی که مضرت زهرها دفع کند او را به تریاق تعریف کنند و شریف‌تر انواع تریاقات، فاروق است که به لغت یونانی مثریدوپوس [مثرودیطوس] گویند... و معنی فاروق جداکننده میان خون و زهر و نجات‌دهنده مر تن را از مضرت زهر باشد» (۸).

۳-۱. تریاق و تریاک در دیوان خاقانی

۳-۱-۱. تریاق، پادزهر و سم‌زداست:

خلق باری کیست کآمرزد گناه بندگان
بنده را توقیع آمرزش ز یزدان آمده
گر همه زهر است خلق از زهر خلق اندیشه نیست
هر که را تریاق فاروقش ز فرقان آمده (۱۵)

خاقانی در دو بیت مذکور، قرآن کریم را به پادزهری مانند کرده که دفع‌کننده زهر مردم است و با لفظ فاروق که نامی از نام‌های قرآن نیز هست، آرایه ایهام تناسب ابداع کرده است. خاقانی در رباعی زیر با اشاره به پادزهری تریاک، آن را همچون گیاه‌داروی «بذر قَطونا» می‌خواند:

دل کوفته‌ام چو تخم‌کان ز آتش قهر
بس شسته به هفت آب ز آرایش دهر
تو بذر قَطونا شدی ای شهره شهر
بیرون همه تریاک و درون سو همه زهر (۱۵)

بذر قَطونا: (=اسفرزه، اسپغول) فارسی، گیاه‌داروست. «... کوفته وی را نشاید استعمال کردن که گُشنده بُود...» (۲۸).

۳-۱-۲. تریاق غم‌زدا و نیروبخش است:

کلکت طیبِ انس و جان، تریاقِ اکبر در زبان
صفرائی لیک از دهان، قی کرده سودا ریخته (۱۵)

یعنی «خود به پاسداری خویش قیام کن که در بهاری که هوای مرطوب دارد، آنکه پاسبان و محافظ توست، تره‌اش (=سبزی‌خوردنش) کوک (=گیاه خواب‌آور) است و میوه‌اش کوکنار (=خشخاش) یعنی گیج‌کننده و خمارآلود است» (۲۷).
۲-۳. کوکنار: گیاهی علفی به ارتفاع ۱ تا ۲ متر و دارای ساقه‌ای قائم، منشعب، بی‌کرک (در بعضی نمونه‌ها خشن) و برگ‌هایی متناوب با رنگ سبز غبارآلود است. میوه‌اش کپسول، ناشکوفه و محتوی دانه‌های بسیار است. از این گیاه وارسته‌های متعددی وجود دارد که از بین آن‌ها دو وارسته «Var. album Boiss» و «Var. nigrum» بیشتر مورد توجه است... از هر دوی آن‌ها و بعضی وارسته‌های دیگر، برای تهیه تریاک و روغن خشخاش استفاده به عمل می‌آید» (۴).

۲-۴. خواب‌آوری کوکنار:

خواب بختم دراز شد مگرش
چرخ جز کوکنار می‌دهد (۲۴)

یاوه کم گوی ای سنایی مدح گو کز روی عقل
هیچ پرخواهی نجسته است از طبیبان کوکنار (۵)

۲-۵. کوکنار گیج و دیوانه‌کننده است: سوزنی سمرقندی از شاعران قرن ششم به خاصیت گیج‌کننده کوکنار اشاره کرده است:

تا بنگ و کوکنار به دیوانگی کشد
دیوانه باد خصم تو بی کوکنار و بنگ (۲۵)

۳. تریاق، دریاق، تریاک، پازهر (پادزهر): «تریاق یا دریاق معرب تریاک است و باز به همان معنی پادزهر است که معرب آن فادزهر است... در یونانی تریاکس «Theriakos» که در همه زبان‌های اروپایی درآمد، عبارت است از ترکیب چندین دارو که از برای گزش جانوران و به ویژه مار به کار می‌رود. در پزشکی چندین‌گونه تریاک یا تریاق داشتند. در اصل تریاق بایستی از شصت جزء ترکیب یافته باشد. رفته‌رفته آن به

درد او دیده چو افسر بر سر درمان نهاد
هر او چون تیغ دل بر تارک تریاک زد (۵)

۳-۳. تریاق و تریاک به عنوان پادزهر در خمسه نظامی:

چو تو در گوهر خود پاک باشی
به جای زهر او تریاک باشی (۱۹)

نوش گیا پخت و بدو در نشست
رهگذر زهر به تریاک بست (۲۹)

۴-۳. تریاق و تریاک به عنوان پادزهر در دیوان انوری:

به دفع زهر به دانا نموده‌ای تریاق
به نفع طبع به بیمار داده‌ای سَرْمَق (۲۴)

سَرْمَق، قَطْف: نباتی است که خاصیت دارویی دارد. «تب و
یرقان را نیک بُود» (۲۱).

زهر آسیب زمانه نکند هیچ خلل
هر که را خدمت درگاه تو تریاک بود (۲۴)

به هیچ داروی و تریاک برنیارد خاست
ز خاک جز که به آواز صور در محشر (۲۴)

بیت‌های شاهد بیانگر این است که شاعران قرن ششم تریاک
را - برخلاف امروزه که بلای خانمان‌سوزی شده است - همواره
در کنار زهر آورده‌اند و این امر گویای استفاده از «تریاک» به
عنوان «پادزهر» و «دارو» بوده است.

نتیجه‌گیری

بازتاب درمانی مواد مؤثره خشخاش و کاهوی وحشی در آثار
شاعران بررسی شده، حاکی از رواج این دانش در قرن ششم
قمری است. پیشینیان ما این عصاره دارویی را از دو گیاه
متفاوت به دست آورده و با نام‌های جداگانه‌ای ذکر کرده‌اند.

«زبان: استعاره از نوک قلم... صفراوی و صفرازده، استعاره از قلم
زردرنگ ممدوح؛ سودا: یکی از اخلاط اربعه که خلطی
سیاه‌رنگ است و در اینجا استعاره از مرکب قلم ممدوح است...
یعنی ای ممدوح، فرمانی که با قلمت می‌نویسی دوا و درمان
مردمان است، هرچند این قلم، صفراوی و زرد است، اما از
دهانش سودا، یعنی مرکب سیاه بیرون می‌آید و با آن می‌نویسد»
(۱۳) یا:

سر حد بادیه است روان پاش بر سرش
تریاق روح کن ز سُموم مُعطرش (۱۵)

یعنی اینجا بیابان کعبه است، جان را نثارکن و از بادهای گرم
مهلک آنکه در حقیقت معطر و جان‌بخش است، تریاق روح
بساز.

خاقانی در ابیات زیادی به کارکرد دارویی «تریاق» که به
عنوان نوشدارو و پادزهری برای دفع سُموم به کار می‌رفته،
اشاره کرده است. علاوه بر تریاق اکبر و تریاق فاروق،
مضمون‌های ادبی متعددی، از قبیل تریاق عدل، تریاق روح،
تریاق بیمار، تریاک دلخستگان، تریاک رضا، تریاق شفا، تریاق
خزانه و تریاق غم ساخته است:

فُغَّعی کَاری از دکان، غم را
همچو تریاقی از خزانه خورم (۱۵)

فَقاع (آبجو و شراب‌گازدار) به تریاقی مانند شده که برطرف
کننده غم‌هاست. خاقانی در بیت دیگر باز هم شراب را به
تریاقی تشبیه کرده که زداینده غم‌هاست.

مرغ سحر تشنیع زن بر قتل مرغِ باب‌زن
مرغِ صُراحی در دهن تریاقِ غم‌ها داشته (۱۵)

۳-۲. تریاق و تریاک به عنوان پادزهر در دیوان سنایی:

زهر او آب رخ تریاک برد و پاک برد
درد او بر لشکر درمان زد و بیبک زد

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

افیون حاصل از گیاه خشخاش را «کوکنار» و افیون به دست‌آمده از کاهوی خودرو را «کوک» نامیده‌اند. امروزه خبری از افیون کاهو نیست؛ با این حال هنوز هم کاهو در طب سنتی و کتاب‌های گیاهان دارویی به عنوان «خواب‌آور» شناخته می‌شود. کاربرد درمانی هر یک از عناوین گیاه‌دارو در آثار شعری شاعران قرن ششم، مورد تأیید کتاب‌های کهن طب سنتی و داروشناسی و گیاهان دارویی امروزی است. مواد مؤثره خشخاش به ویژه تریاک را که امروزه به بالای خانمان سوزی تبدیل شده است، در شعر قرن ششم همواره در مقابل زهر آورده‌اند و این امر گویای استفاده از تریاک به عنوان «پادزهر» بوده است و از طرفی استناد فراوان به شواهد شعری در مقاله‌ها و موضوعات مختلف پژوهشی، بیانگر نقش مهم شاعران در ترویج، حفظ و انتقال این اطلاعات ارزشمند تاریخی است.

مشارکت نویسندگان

مقصود مصباح: ارائه ایده اولیه، جستجوی منابع، گردآوری و دسته‌بندی اطلاعات استخراج‌شده و تحلیل داده‌ها. ابراهیم پوردرگاهی: جمع‌بندی مطالب، تحلیل داده‌ها، ویرایش، اصلاح و تصویب نهایی. حمیدرضا فرضی: بررسی منابع در راستای گردآوری اطلاعات و مساعدت جهت رفع نقاط ضعف و آرایه راهکارهای لازم. بهمن پاسبان اسلام: بررسی منابع و مطالب مرتبط با گیاهان دارویی و ویرایش نهایی. نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

References

1. Nezami-e Aroozī A. *Chahar Maqaleh*. Described by Moī'n M. 9th ed. Tehran: Amir Kabir Publication; 1987. p.47. [Persian]
2. Shadigoo SH. Review and Analysis of Medicinal Plants From The Perspective of Khaghani. Saadi and Ibn Sina. *Medical History Journal*. 2020; 12(43): 16-32. [Persian]
3. Zanjani B, Asaadi M. Manifestation of Medicine in Ancient Literature. *Journal of Faculty of Literature and Human Sciences University of Tehran*. 2002; 4&5: 117-136. [Persian]
4. Zargari A. *Medicinal Plants*. 7th ed. Tehran: Tehran University Publications; 1997. p.121-123. [Persian]
5. Sanai M. *Sanai's Diwan*. Described by Modarres-e Razavi MT. 7th ed. Tehran: Sanai Publishing; 2010. p.191, 221, 341, 355, 539, 852. [Persian]
6. Boromand-e Saeed J. *Opium in Wine*. *Chista*. 1987; 43: 259-263. [Persian]
7. Anoshe H. *An Encyclopedia of Persian Literature*. Described by Anoshe H. 2nd ed. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance; 2002. p.113. [Persian]
8. Poordavood E. *Hormazd Nameh*. Tehran: Iranshenasi-Center; 1953. p.12-16, 107-109. [Persian]
9. Sadegi M. *Opium*. Online. Available at: <https://www.cgie.org.ir/fa/article/224217>. Updated September 29, 2019.
10. Rudaki AJ. *Rudaki's Diwan*. Described by Nafisi S. Tehran: Negah Publishing; 1998. [Persian]
11. Khosrow Qubadiyani N. *Nasir Khosrow's Diwan*. Tehran: Tehran the Institute of Islamic Studies McGill University, Tehran Branch; 1978. [Persian]
12. Nooryan M, Toghyani I. Reflection of the phenomenon of addiction in Saeb's poetry. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan*. 2005; 2(41): 167-184. [Persian]
13. Barzgar-e Khalegi M. *Description Khaghani's Diwan*. Tehran: Zavar Publishing; 2019. [Persian]
14. Attar F. *Attar's Diwan*. Described by Tafazoli T. Tehran: Elmi Farhangi Publishing; 1989. [Persian]
15. Khaghani A. *Khaghani's Diwan*. Described by Sajjadi Z. 12th ed. Tehran: Zavar Publishing; 2020. p.216, 332, 373, 380, 382, 513, 521, 720, 794. [Persian]
16. Aghili Alavi Khorasani M. *Makhzan al-Advieh*. Tehran: Enghelab-e Eslami Publishing and Educational Organization; 1992. p.154-155. [Persian]
17. Kazazi M. *Khaqani's difficulties Report*. 6th ed. Tehran: Central Publishing; 2010. p.744. [Persian]
18. Abu Rayhan-e Biruni A. *Al-Saydanat fi al-Tebb*. Translated by Mozaffarzadeh B. Tehran: Academy of Persian Language and Literature Publishing; 2004. p.253. [Persian]
19. Nezami E. *Khosrow and Shirin*. Described by Dastjerdi V. 17th ed. Tehran: Ghatreh Publishing; 2018. p.120, 351, 436. [Persian]
20. Moeini M, Kolahdouzan A. Medical Effects of the Moon Based on Persian Poetry from the 6th to 8th Centuries Concentrating on Azarbaijani Style and New Researches. *Medical History Journal*. 2019; 10(37): 59-73. [Persian]
21. Heravi A. *Al-Abniye an Haghayegh al-Advieh*. Corrected by Bahmanyar A. Tehran: Tehran University; 1967.
22. Dehkhoda AA. *Dehkhoda Dictionary: Dehkhoda Lexicon Institute and International Center for Persian Studies*. Online. Available at: <https://www.dehkhoda.ut.ac.ir/fa/dictionary/187249>. Updated July 30, 1998. Accessed October 30, 2021.
23. Jorjani S. *Zakhire Kharazmshahi*. Tehran: Academy of Medical Sciences Publishing; 2004.
24. Anvari O. *Anvari's Diwan*. Described by Nafisi S. 2nd ed. Tehran: Negah Publishing; 2016. p.40-42, 130, 203, 436, 577. [Persian]
25. Sozani M. *Sozani's Diwan*. Described by Shah Hosseini NA. Tehran: Amir Kabir Publication; 1960. p.37, 222. [Persian]
26. Zargari A. *Medicinal Plants*. 6th ed. Tehran: Tehran University Publications; 1996.
27. Shafiei Kadkani M. *Tazyanehayeh Solook*. 11th ed. Tehran: Agah Publishing; 2012.
28. Ansari Shirazi A. *Ekhtiyarate Badi'i*. Described by Mir MT. Tehran: Razi Distribution Pharmaceutical Company; 1992.
29. Nezami E. *Nezami's Makhzan al-Asrar*. Described by Dastjerdi V. 20th ed. Tehran: Gaterh Publishing; 2020.